

کارمزد یک حکاک در دارالخلافة ناصری

امید رضایی*

سه برابر سال اول رشد داشته ۲۲۵۰۰۰ (معادل ۲۲ تومان و ۵ قران) حقوق می گرفت. چنان که ملاحظه می شود این قبالة بر حسب رشد مشخص و محاسبه شده ای تدوین گردیده است. بنابراین، اگر میرزا شفیع انضباط کاری می داشت، می توانست پس از سه سال کار ۴۵ تومان درآمد داشته باشد که اگر آن را به ۲۷ تومان هزینه البسه سه ساله بیفزاییم، به عدد ۷۲ تومان که کل مبلغ پیش بینی شده ضمن عقد بوده، می رسیم. اما مسلماً ارزش سفارشات بیش از این بوده و میرزا شفیع هم می بایست حداقل دو سه برابر بیش از حقوق روزانه تلاش می کرده است. (نک: جدول)

سال اول	دو دست لباس، دستی ۳ تومان (جمعاً ۶ تومان) حقوق روزانه ۵ شاهی (۲۵۰ دینار)
سال دوم	دو دست لباس، دستی ۴/۵ تومان (جمعاً ۹ تومان، معادل ۱/۵ برابر سال اول) حقوق روزانه ۱۰ شاهی (۵۰۰ دینار)
سال سوم	دو دست لباس، دستی ۶ تومان (جمعاً ۱۲ تومان، معادل ۱/۵ برابر سال دوم) حقوق روزانه ۱۵ شاهی (۷۵۰ دینار)

جدول حقوق روزانه و مزایای سنواتی برای ۳ سال

گفتنی است بر اساس گزارش عین السلطنه در تاریخ ۱۳۱۳ هـ. ق قیمت هر مهر بر اساس قاعده «حرف شماری» محاسبه می شده است:

... میرزا ابراهیم آمد. مدتها صحبت کردیم. مهر مرا آورده

بودند. «حرفی دو ریال» گرفته است.

بنابراین تعداد حروف سجع با قیمت مهر رابطه مستقیم داشته است. ازین رو مابه التفاوت کار کرد روزانه میرزا شفیع ها، در واقع منفعتی بوده است که از جیب حکاکباشی ها سر در می آورده

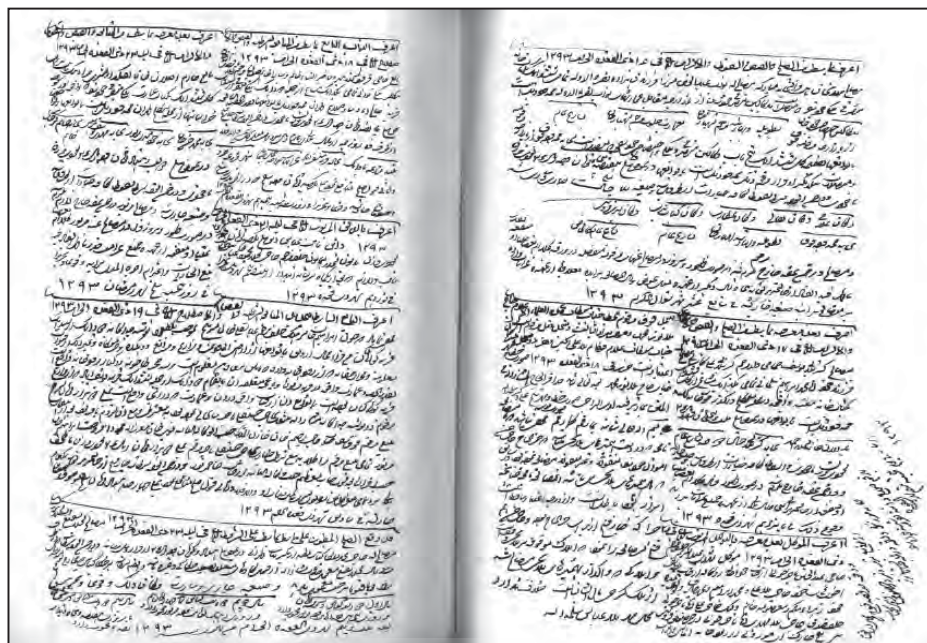
با تمام اهمیت کارکردی مهر در دوره قاجار و به تبع آن حرفه حکاک، درباره زندگی و معیشت روزانه و سالانه این دست از پیشه‌وران اطلاعات نادر است. حال آن که در این دوره این گونه مرسوم بوده است که به تناسب هر کار و موضوعی قبالة ای کوتاه یا مفصل تنظیم گردد.

از محکمه آقا سید محمدصادق سنگلجی ابن محمدمهدی طباطبایی (د. ۱۲۹۹ هـ. ق)، منظم ترین و معتبرترین محضر و محکمه شرع دارالخلافة ناصری (تهران)، مربوط به سال ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۵ هـ. ق، تاکنون فقط دو دفتر شناسایی شده است. در دو دفتر چند هزار چکیده قبالة ثبت گردیده است. یکی از این چکیده‌ها، چکیده یک فقره مصالحه نامه با فایده اجاره است. این قرارداد بین حاجی محمد حکاکباشی و میرزا [شفیع] ولد میرزا بزرگ منعقد گردیده است. طی این سند، میرزا شفیع در طول سه سال به استخدام (در خدمت) حکاکباشی در آمده است. نمی دانیم میرزا شفیع را باید یک شهرستانی محسوب نماییم که به دنبال زندگی بهتر به دارالخلافة ناصری مهاجرت کرده است یا یک تهرانی که سرمایه مکفی برای راه اندازی دکه و کارگاهی برای ارائه تخصص خود نداشته است. به هر حال میرزا شفیع خود را «اجیر خاص» کرده تا در نزد حکاکباشی مزبور طی مدت معینی در قبال مواجب نقدی و جنسی معینی امور مشخص حکاکای را به انجام رساند. تنظیم این قرارداد بدین معنی بوده که نامبرده حق کار کردن در محلی دیگر و برای شخصی دیگر را از خود سلب کرده است.

حال اگر فرض کنیم میرزا شفیع در طول یک سال قمری حداکثر سیصد روز کاری داشته است که بنا به قرارداد به ازاء هر روز ۲۵۰ دینار از حکاکباشی حقوق دریافت می نموده در سال اول ۷۵۰۰۰ دینار (معادل ۷ تومان و ۵ قران) درآمد می داشت؛ در سال دوم که نسبت به سال اول دو برابر رشد داشته ۱۵۰۰۰۰ دینار (معادل ۱۵ تومان) و در سال سوم که

* پژوهشگر متون تاریخی و اسناد.





۲۶ از قرار ذیل رساند و در ضمن العقد شرط شد که در

ظرف

۳/ سه سال میرزا شفیق مشغول خدمات مشارالیه از قبیل

کارهای متعلقه بصنعت حکاکی و غیره باشد و ایضا شرط

شد بر حکاکباشی که مخارج یومیه سه سال

۴/ را یوماً فیوماً بر حسب معمول بدهد(؟) و صیغه جاری و

ساری شد و کان ذلک وقوعاً و تحریراً فی

۵ و ۶/ سال اول دو دست لباس، دستی سه تومان و روزی پنج

شاهی نقد از بابت وجه مزبور محسوب دارد.

سال دوم دو دست لباس، دستی چهار تومان و نیم و روزی

دهشاهی نقد از بابت وجه مزبور محسوب دارد.

سال سیم دو دست لباس، دستی شش تومان با روزی

هفتصد و پنجاه دینار نقد و محسوب دارد.

۷/ لیله بیست و سیم شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه

۱۲۹۳. (ب) ۷۴

است. از آنجا که در این قبالة از دکه و ابزار یاد نشده بنابراین

احتمالاً حکاکباشی سفارشات را جمع آوری می کرده و میرزا

شفیق در راستای عمل به تعهد و نیز به دست آوردن باقیمانده

۷۱ یا ۷۲ تومان به ناچار وقت بیشتری صرف می کرده است.

البته سوای تجدید گاهوبی گاه امهار به سبب فوت یا استهلاک

آنها، رونق معاملات در دارالخلافه و استفاده عوام و خواص از

دو مهر جهت انجام صحیح امور کاری و اجتماعی هم، نقش

مهمی در رونق کسب و کار حکاکان داشته است.

۱/ [سجل آقا سید صادق طباطبایی (سنگلجی):] قد وقع

الصلح المسطور علی ما سطر علی الشروط لدی فی لیله ۲۳

ذی القعدة الحرام ۱۲۹۳.

– مُصالح: میرزا [شفیق] ولد میرزا بزرگ

۲/ مُصالح له: حاجی محمد حکاکباشی مقدار یکسر نبات

طهرانی در عوض مبلغ هفتاد و یک تومان وجه ریال

۱. منظور ریالی است که ۲۶ نخود وزن داشته است. گفتنی است در دوره قاجار ریال های دیگری هم رایج بوده است؛ از جمله ریال ۱۸ نخودی و ریال ۱۳ نخودی، که به آن سکه «پناه آبادی» می گفتند. (نک: دینات، ابوالحسن، «پناه آبادی (پناهباد) - پهن آبادی»، آینده سال سیزدهم، شهریور و مهر ۱۳۶۶، شماره ۶ و ۷.)